

لبنان

چالش در نوسازی سیاسی و نقشی که اروپا ایفا می‌کند

وزرای خارجه فرانسه و ایتالیا درخصوص اراده اروپا برای استحکام بخشیدن و عادی سازی شرایط لبنان به نتایج مشترکی رسیده‌اند. آنان بر این باورند که لبنان به صحنه یک تجدید حیات غیرقابل انکار تبدیل شده است. اما این پویایی به معنای لزوم ایجاد نوگرایی در نظام اداره کننده حکومت نیست. آنان علاقه پاریس و رم را و برای توجه اروپا به لبنان می‌دانند و این امر را با ایجاد ابتکار در معیارهای سیاسی برای بازسازی اقتصادی در این کشور دنبال می‌کنند. شهروندان لبنان و بازیگران کلیدی این کشور در اولویت اهداف مورد نظر آنان قرار دارند. گزارش زیر براساس نامه مشترک وزرای خارجه فرانسه و ایتالیا درمورد لبنان تهیه شده و اهداف و نحوه عملکرد آنان را تشریح می‌کند.

فشارهای بین‌المللی در آوریل ۲۰۰۵ آخرین سربازهای خود را از این کشور خارج کرده است.

کمی دورتر، ایران با حمایت از حزب‌الله به عنوان یکی از سردمداران با نفوذ وارد این قضیه شد، همچنان که عربستان سعودی، به طور سنتی از جامعه سنی لبنان حمایت می‌کند.

بی‌شک، اتحادیه اروپا با باز نگه داشتن درهای مذاکره با دمشق، زمینه را برای عادی سازی روابط بین لبنان و سوریه فراهم کرد.

وزرای خارجه دو کشور فرانسه و ایتالیا اذعان داشته‌اند که سال ۲۰۰۹ باید سال بازگشت لبنان به صلح و کامیابی و ثبات باشد. کشوری که فقط ۴ میلیون از ساکنان آن باقی مانده‌اند. آنان نسبت به شرکای اروپایی خود درصدد افزایش حمایت بیشتری از دولت لبنان و نهادهای آن بوده و به دنبال عادی سازی روابط این کشور با کشورهای منطقه هستند.

ارتش سوریه- همسایه شمال و شرق لبنان- ۳۰ سال در این کشور حضور داشته و سرانجام تحت

در مورد منازعه اسرائیل و فلسطین که تاریخ خاورمیانه را از زمان تشکیل دولت اسرائیل در سال ۱۹۴۸ تعریف می‌کند، فرانسه و ایتالیا همواره اظهار داشته‌اند که ایجاد صلح در این منطقه بدون لبنان امکان‌پذیر نیست. این دو کشور پیشنهاد حفظ فرآیند مذاکره مستقیم بین لبنان و اسرائیل را برای پیشروی به سوی یک راه حل صلح‌آمیز ارائه داده‌اند.

وزرای خارجه دو کشور معتقدند که منطقه نمی‌تواند اجازه بروز کشمکش‌های جدید همراه با خونریزی و ایجاد بی‌ثباتی را بدهد. فرانسه و ایتالیا به همراه سایر اعضای اتحادیه اروپا باید تلاش کنند تا لبنان به عنوان نمونه‌ای از همزیستی و دموکراسی درآید که مدیترانه به آن نیازمند است.

یک موقعیت جدید منطقه‌ای

اغلب لبنانی‌ها معتقدند که اسرائیل می‌خواهد همسایه کوچک خود را تنبیه کند، برای اینکه توانایی خلع سلاح چریک‌های نظامی خطرناک شیعه را ندارد. حزب‌الله از بین نرفته است و توانایی نظامی آن دست نخورده باقی مانده است. از آن سو، سیدحسن نصرالله رهبر حزب‌الله که خواهان ایفای نقش در منطقه است، معتقد است که بهایی که برای لبنان پرداخته بسیار بالا بوده است.

در این میان اروپا در خاورمیانه و منطقه خلیج فارس یک راهبرد جدید را طراحی می‌کند، چرا که آمریکا قصد دارد نیروهای خود را از عراق خارج کند و روند مذاکره با ایران را با توجه به پیگیری فعالیت‌های هسته‌ای آن، در دست گیرد. ضمناً مذاکرات فلسطین و اسرائیل را نیز اداره کند. همچنین توجه واشنگتن متمرکز بر دوران طولانی بی‌ثباتی در افغانستان است و یا پاکستان هسته‌ای که به نظر می‌رسد در اداره مرزهای خود ناتوان است.

از نظر اروپا، در شرایط جدید دیپلماسی جهان، امکان تقسیم نقش بین کشورهایمانند فرانسه، ایتالیا و یا اسپانیا - کشورهای ساحلی مدیترانه - فراهم می‌آید. همچنین شناخت عمیق از تاریخ لبنان و بازیگران اصلی آن می‌تواند به مراتب از دیپلماسی آمریکا مؤثرتر واقع شود.

وزرای خارجه فرانسه و ایتالیا در فرآیند جدید لبنان، کار را از موضوع عدالت بین‌المللی جهت شناسایی عامل ترور رفیق حریری - نخست‌وزیر سابق لبنان و مهره کلیدی در تجدید حیات اقتصادی - شروع کرده‌اند. از این رو دادگاه مخصوص لبنان که مقر آن در لاهه است و به استناد قطعنامه ۱۷۵۷ سازمان ملل متحد در مه ۲۰۰۷ تشکیل شده، عملاً از اول مارس ۲۰۰۹ کار خود را شروع می‌کند. پس از این نیز موضوع ترور سایر شخصیت‌های ضد سوری بعد از ترور حریری پیگیری خواهد شد.

نتیجه این فرآیند قضایی هر چه باشد، اولین قدمی است که باید برای کشوری برداشته شود که جنایات انجام شده در آن بی‌مجازات باقی مانده است و تشکیل این دادگاه تصدیقی بر وجود عدالت است که ضعف آن در لبنان احساس می‌شود. تاکنون ۴ ژنرال لبنانی مظنون به سوءقصد به رفیق حریری دستگیر شده‌اند و صحبت بر سر تحویل آنان به دادگاه مذکور است. مقامات دمشق از عملکرد این دادگاه واهمه دارند. فرانسه و آمریکا خواهان تشکیل هرچه سریع‌تر این دادگاه بوده‌اند.

ژاک شیراک و جورج بوش استراتژی منزوی کردن سوریه را اتخاذ کرده بودند، در حالی که نیکولا سارکوزی و اوباما خواهان مذاکره با دمشق هستند تا به عنوان یک بازیگر ثابت در پرونده‌های خاورمیانه، ایران، منازعه اسرائیل و فلسطین، برای ثبات لبنان در صحنه باقی بماند.

آنچه از یاد رفته است

تاریخ لبنان آنقدر پیچیده و حساس است که از توضیح آن در کتب درسی دانش آموزان امتناع شده است. فرانسه از سال ۱۹۲۰ لبنان را اداره می‌کرد تا سال ۱۹۴۳ که لبنان استقلال یافت. تقسیم قدرت سیاسی در این کشور براساس یک پیمان نانوخته است و حکمرانان به نسبت ۶ مسیحی در برابر ۵ مسلمان تعیین شده‌اند. این در حالی است که ۵۴ درصد جمعیت لبنان مسیحی می‌باشند. چنین تقسیم قدرتی، نقشی اساسی برای شهروندان در تعریف هویت سیاسی آنان بوجود می‌آورد. توجه بیشتر به مسیحیان بلافاصله از سوی سایر جوامع، بویژه جامعه سنی مورد انتقاد قرار گرفت.

خاورمیانه به دلیل وجود اختلاط مذهبی، ادعای ملی‌گرایی، جاه‌طلبی‌های سرزمینی و ثروت نفت، به صورت انبار باروت درآمده است. حضور جامعه مهم فلسطینی در لبنان که اکثریت آنها سنی هستند، سبب بروز جنگ مخربی در سال ۱۹۷۵ شد. درگیری‌های نظامی از سوی تشکیلات لبنان به عنوان مبارزه اعراب علیه اشغال اسرائیل، همیشه قانونی محسوب شده است. در فوریه ۲۰۰۸ گروه بحران بین‌الملل فرانسه اعلام نمود که حضور حدود نیم میلیون پناهنده فلسطینی در لبنان مانند یک "بمب ساعتی" عمل خواهد کرد.

تجدید حیات اقتصادی

زمانی که رفیق حریری در اکتبر ۱۹۹۲ روی کار آمد، کل کشور ویران بود. حتی به علت تبعید یا کشته شدن نسل جوان لبنان، شهرها خالی و بی‌هویت به چشم می‌آمد. تأمین مالی جنگ واقعاً سخت بود. بین درآمد اقتصادی و هزینه برای ساخت ویرانه‌ها میلیاردها دلار فاصله وجود داشت. حتی سرشماری تعداد کشته شدگان هم دشوار بود و تقریباً به ۲۵۰ هزار نفر می‌رسید. اما طی ۱۰ سال، لبنان متحول شد. به طوری که در سال

جاری (۲۰۰۹) باوجود بحران مالی، درصد رشد در این کشور خوب و تجدید حیات در بیروت مشهود است. ساخت خیابان‌های عریض، مغازه‌های شیک، هتل‌های بزرگ و رستوران‌های مجهز چهره شهر را زنده کرده است، به طوری که در سال ۲۰۰۸ صنعت توریسم در این کشور با ۴۴ درصد افزایش همراه بوده است. سه چهارم این بازدیدکنندگان از کشورهای عربی بودند. در سایر بخش‌های لبنان نیز بازسازی مشهود است. برای مثال در جنوب این کشور قسمت‌هایی که در اثر تهاجم اسرائیل تخریب شده بود با کمک مالی قطر در سال ۲۰۰۶ بازسازی شده است. نرخ بیکاری در این کشور ۱۵ درصد است و ساختار اقتصادی کشور امکان ایجاد مشاغل موقت را بیشتر فراهم می‌آورد.

لبنان تاکنون در برابر بحران مالی بین‌المللی مقاومت کرده است. گزارش اخیر مؤسسه مالی بین‌الملل اعلام کرده است که در سال ۲۰۰۸ رشد تولید ناخالص ملی این کشور به ۷ درصد رسیده است. این در حالی است که بدهی دولتی لبنان ۴۵ میلیارد دلار برآورد شده و تولید ناخالص ملی این کشور در سال ۲۰۰۸ بین ۲۴-۲۲ میلیارد دلار بوده است.

باید اضافه کرد که لبنان از توجه خاص بین‌المللی بهره‌مند است. بعد از جنگ سال ۲۰۰۶، کنفرانس پاریس ۳ تصویب کرد که ۷ میلیارد دلار به بازسازی لبنان اختصاص داده شود که بخش اعظم آن پرداخت شده است. در دوران رفیق حریری هم لبنان از کمک‌های مالی بهره می‌برد. ثروتی که حریری در عربستان سعودی بدست آورده بود، اتکای مالی به انگلیس، دوستی بی‌قید و شرط با ژاک شیراک و لطف و نظر آمریکا که به عمل‌گرا بودن حریری در بازسازی کشورش بدون توجه به

کشمکش‌ها اعتقاد داشت، از جمله دلایل این کمک‌ها بود.

اروپائیان معتقدند زمان آن فرارسیده که در چارچوب کنفرانسی همراه با مذاکرات چندجانبه، موافقت کشورهای آنان که خواهان بی‌طرفی لبنان هستند، اتخاذ شود. آنان می‌گویند سوریه، ایران، اسرائیل، سازمان‌های فلسطینی و سایر کشورهای عربی مانند مصر و عربستان باید مانع تقسیم کشوری شوند که خواستار یک ائتلاف واقعی سیاسی است. حتی به نظر می‌رسد تشکیل کمیسیونی جهت استفاده از پیشنهادات برای انجام اصلاحات اداری که نیاز به موافقت سیاسی دارد، ضروری است. در همین راستا، اولویت انجام وظایف اداری است تا این امر به عنوان بازویی کمکی برای دولت درآید و هدف ایجاد تنش‌های مذهبی و یا سیاسی نیست. همچنین لبنان باید به کمک شرکای اروپایی و عرب خود، به بررسی عواملی که مانع پیشرفت می‌شوند، بپردازد؛ چالش سیاسی و بحران مالی که برای دولت لبنان وجود دارد، اصلاح صندوق حمایت از امنیت اجتماعی و اصلاح نظام حمایت اجتماعی، مدیریت بدهی‌های دولتی و موضوع اساسی پناهندگان فلسطینی از آن جمله‌اند.

می‌توان گفت رفیق حریری آغازگر بازسازی لبنان بود، دلایل اقتصادی و فرهنگی متعددی مؤید این موضوع پس از مرگ وی است، مانند نقش بخش خصوصی. از سویی مهاجرت لبنانی‌ها به سایر نقاط جهان سبب کنترل جمعیت لبنان می‌شود. مهاجرین لبنانی در اغلب کشورهای پراکنده شده‌اند، از برزیل گرفته تا آفریقا، یا در آمریکای جنوبی. می‌توان گفت بیش از ۳۰۰ هزار شغل در منطقه خلیج فارس در اختیار لبنانی‌هاست و درآمد آنان سرمایه قابل توجهی را به سوی این کشور سوق می‌دهد. به طور کلی رفت و آمد لبنانی‌ها از خارج به داخل این کشور، ۲۰ تا

۲۵ درصد سبب افزایش تولید ناخالص داخلی این کشور می‌شود. شور و علاقه لبنانی‌ها به کشور خود یکی از عوامل تعیین‌کننده در بهبود اوضاع این کشور محسوب می‌گردد.

در کتابی که به حمایت "برنامه ملل متحد" در مورد لبنان چاپ شده، از ۱۰۱ مورد ابتکارات لبنانی برای بهبود شرایط لبنان صحبت می‌کند.

پس از ترور رفیق حریری، سیاست لبنان نیاز به اصلاح جدی دارد و پویایی اقتصادی آن نباید فراموش شود. صاحب‌نظران فرانسوی معتقدند اساسی‌ترین معضلات در لبنان عبارتند از: تقسیم فرقه‌ای کشور، ارتباط تنگاتنگ دین و سیاست، ضعیف بودن دولت و پیامدهای آن، ارتباط میان واژه شهروند و ملت و بازتعریف رابطه میان انسان‌ها و جوامع.

آنان می‌گویند اروپا باید تمام تلاش خود را برای کمک به لبنان بکار گیرد تا مذاکره در این کشور پیامد و نتایج منفی نداشته باشد.

موقعیتی با خضریب خطر بالا

همواره در لبنان موقعیت منطقه‌ای حائز اهمیت است به ویژه زمان انتخابات ماه ژوئن که با انتخابات ریاست جمهوری ایران هم‌زمان خواهد شد. اروپا منتظر است ببیند در ایران چه کسی به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب خواهد شد؟

مسیرهایی که باید شناسایی و راهکارهایی که باید ابداع گردند

سمیر نصر می‌گوید: ساختار لبنان نسبت به زمین لرزه‌های سیاسی منطقه حساس است. در اطراف آن ناصری‌ها، بعضی‌های عراق و سوریه، بحث فلسطین، توسعه‌طلبان اسرائیل، نفوذ عربستان سعودی و ایران و منافع کشورهای غربی به ویژه آمریکا و فرانسه وجود دارد

که کشمکش‌های منطقه‌ای و محلی را تحریک نموده و شدت می‌بخشد. سمیر نصر اضافه می‌کند که بازسازی لبنان با دخالت عوامل خارجی امکان‌پذیر نیست.

نکته دیگری که امروزه در لبنان مورد توجه است این است که نسل بعد از جنگ رغبتی به مبارزه از خود نشان نمی‌دهد. به گفته ژوزف مائیلا این روزها باید به مسأله لائیسیته نیز توجه شود. به عبارت دیگر لبنان به یک نظام قانونی در به کارگیری سیاست نیاز دارد. در انتخاب افراد بازیگر در دنیای سیاست، باید صلاحیت آنان مدنظر قرار گیرد نه ارتباطات آنان.

از زمان خروج سوریه، بدیهی است که برای هر لبنانی فرصت "گفتار" فراهم شده است و هر لبنانی می‌تواند نقطه نظری داشته باشد. از این رو در کشوری که شهروندان آن ابتکار عمل دارند، پویایی آنان نمی‌تواند برگرفته از یک سیاست ترجمه‌ای باشد. آنها تلاش می‌کنند مذاکراتشان جنبه کلاسیک نداشته بلکه دموکراتیک باشد. در چنین فضایی احزاب سیاسی آینه جامعه و خلاق عقاید جدید می‌شود و رسانه‌ها جایگاه بهتری در القای عقاید به افراد پیدا می‌کنند.

حضور اروپا در لبنان بسیار محسوس است و اروپا با این کشور سند حسن همجواری و همکاری امضا کرده است. پیش از این نیز اروپا برای حمایت از انجام اصلاحات سیاسی و اجتماعی در این کشور، سرمایه‌گذاری

کرده است. این امر به منظور احترام به حقوق بشر و بهبود شرایط مؤسسات خرد و کلان در لبنان بوده است. هدف اروپا از همکاری با لبنان این است که تحولات لازم در فضای سیاسی این کشور ایجاد شود، لبنانی‌ها با هم متحد شوند، افکار خود را بیان و تغییرات مثبتی ایجاد کنند. همچنین لبنان می‌تواند از تشکیل ساختارهای موازی که حامی دولت - فعلی و یا آتی- در ایجاد سازش و آشتی باشند، بهره‌بردار. همان کاری که رفیق حریری در زمینه اقتصاد انجام داد.

وزرای خارجه فرانسه و ایتالیا به این نتیجه رسیده‌اند که باید گروهی متشکل از کارشناسان لبنانی و اروپایی هر چه سریع‌تر در چارچوب یک مرکز تحقیقاتی بی‌طرف یا یک مؤسسه آکادمیک، در پاریس گردهم آیند تا مراحل تحولات لبنان را طی دو سال آینده تعیین کنند.

معصومه سیف‌افجه‌ای
مرکز مطالعات اروپا
دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی